

# تنفس در آسمان و ولایت



**اول:** در این شماره در پی آن بودیم، که قلم نویسندگان، در ساحت‌های گوناگون مبحث ولایت فقیه را به کاوش پرداخته و ابعاد متناظر و متناقض را از دید تأیید یا نقد به صفحات مجله بکشانیم. از این رهگذر، خوانندگان گرامی می‌توانند با مطالعه همه مقالات، به تصویر نسبتاً کاملی از دیدگاه‌ها و نقدها برسند. مسئله ولایت فقیه از چنان اهمیتی برخوردار است که هنوز باید درباره آن نوشت و خواند. از همین رو در این مسیر راه طولانی در پیش روست و جای فراوان برای تبیین و ترویج آن.

**دوم:** اصل مترقی ولایت فقیه، در ذهن همه ما که در این عصر زندگی می‌کنیم، نام امام خمینی (ره) را زنده می‌کند. همه کسانی که از نزدیک با آن حضرت حشر و نشر داشتند، یا حتی زمان حیات ایشان را پس از انقلاب درک کرده‌اند، به درستی می‌دانند که حضرت ایشان، هم در قول و هم در عمل، ولایت فقیه را امری زمینی و برآمده از نقد و نظرهای مادی گرایانه نمی‌دانستند. اهمیت این اصل، در نظر ایشان به حدی بود که بارها نسبت به اظهارنظرهای افراطی منفی و مثبت، واکنش نشان می‌دادند. البته احترام و محبت آن حضرت به مردم و رأی آنان، مقوله دیگری است که نباید آن را با اصل بحث مخلوط نمود. امام خمینی (ره) نظام مبتنی بر نظریه ولایت فقیه را با خواست و حمایت و رأی مردم تأسیس و اداره کردند، و همواره از مردم ایران به عنوان بهترین امت تاریخ نام بردند، اما هیچ‌گاه در عرصه‌های بحرانی و یا حماسه‌های پیروزمند، مرعوب و مغرور نگشتند، چه آن‌که خود را مکلف به انجام وظیفه می‌دانستند. ایشان در هیچ مقطعی از مقاطع انقلاب برای خوشامد و بدآمد دیگران موضعی نگرفته و همواره بر الهی و آسمانی بودن حکومت اسلامی تأکید نموده و هیچ‌گاه از این اصل کوتاه نیامدند.

**سوم:** سخنان و اظهارنظرهای پراکنده از افراد مختلف که گاهی خود را به حضرت امام منتسب می‌کنند و ارجاع‌های تک‌بعدی و گزینشی به فرمایش‌های ایشان، نمی‌تواند دست کم در میان معاصران، تردیدی ایجاد کند که شجره طوبه ولایت فقیه، ادامه‌ای از ولایت حضرات معصومین است. در مسائل گوناگون جامعه اسلامی، این ولایت، اطلاق دارد. تکرار سخنانی «چون انتخابی بودن رهبر» و «حضور غیر فقیهان در خبرگان» و مانند آن با هدف حذف یا محدود کردن دایره ولایت، و یا تضعیف نقش فقاهت در منصب رهبری، راهبردی محکوم به شکست است؛ اگر همگان سخنان و نظرات بنیان‌گذار فقیه انقلاب را فصل‌الخطاب بدانند.

**چهارم:** تاریخ پیش و پس از انقلاب اسلامی ۵۷ ایران، خاطرات و حوادث عجیبی را در خود ذخیره کرده که باز شدن گره‌ها با سرانگشت ولایت را بارها و بارها، تداعی می‌کند. فرمان ولایت حضرت امام (ره) برای شکستن حکومت نظامی، تصمیمات حساس در دوران جنگ و پس از آن و دهها مسئله بزرگ کشوری و جهانی - که با حکم ولایتی آن پیر جماران صورت گرفت و سال‌های مدیدی آثار آن باقی خواهند ماند - نشانه‌هایی از قدرت بالا و جایگاه ویژه اصل مترقی ولایت فقیه در فقه و جامعه شیعی است. از این رو نمی‌توان قانونی در نظر گرفت، که جامعه سیاسی شیعه را بدون این اصل طراحی کرده باشد و اسلامیت نظام را تضمین نماید. با این نگاه، حرف‌ها و حدیث‌ها چه ناظر به شخص باشد، چه قانون و نظرات فقهی، باید متوجه بود که فقاهت و سیاست شیعه در زمان غیبت بدون ولایت فقیه، بی‌هویت است.

اکنون که در آسمان ولایت تنفس می‌کنیم و از شمیم روح‌بخش حکومت قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) بهره‌مندیم به جاست تا با شکر این نعمت حقیقی، و پیروی از ولی فقیه زمان، آیت‌الله خامنه‌ای در تحقق همه آرمان‌های پیامبر الهی و اوصیای آنان بکوشیم.

**پنجم:** همه تلاش‌ها و پای‌مردی‌ها و همه خون‌های شهیدان، در این راه بود که در زمان غیبت امام عصر (عج) در کشور شیعیان، حکومتی بر سر کار بیاید که مطابق قرآن و سنت و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) به تدبیر امور بپردازد. حکومت غیر معصوم در این برهه عدم حضور معصوم، قطعاً فرازها و فرودهای خاص خود را دارد. در حکومت علوی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز شاهدیم، که سطح علمی و معرفتی مردم زمانه، چالش‌های بسیاری را فرا روی نظام و حاکمیت ایجاد کرد و جنگ‌های متعددی را پیش آورد. اینجاست که باید با تمسک به چراغ فروزان ولایت فقیه، در شب تاریک دنیاپرستان، راه به سرزمین خورشید باز کنیم و با تمام توان در راه بالا بردن سطح معرفت و اندیشه انسان بکوشیم تا زمینه ظهور حضرت بقیةالله (عج) را فراهم سازیم.

به امید تنفس در حکومت آسمانی موعود آخرالزمان (عج) و تحقق نظام ولایتی اسلام در گستره کره خاکی.